



علی زند وکیلی این بار با «پادری» به تلویزیون می‌آید

گروه ادب و هنر از علی زندوکیلی، خوانندگی تیتراژ پایانی سریال «پادری» را بر عهده دارد. این سریال که تیزرهای تبلیغاتی آن در حال حاضر برای ماه رمضان از شبکه اول سیما پخش می‌شود به کارگردانی محمدحسین لطیفی ساخته شده است. علی زندوکیلی، قبل تر هم خوانندگی تیتراژ پایانی چند سریال از جمله «دزد و پلیس»، «پژمان» و «شاهکوش» را که از شبکه خانگی پخش شد بر عهده داشت و همچنین آلبوم «عبور از مه» را با اشعاری از حافظ و حسین منزوی در ۱۴ قطعه در ژانر سنتی منتشر کرده است. زندوکیلی که این روزها اغلب آلبوم‌های او در فضای مجازی دست به دست می‌شود این بار با همکاری حمیدرضا صدری که ساخت موسیقی پادری را بر عهده دارد، به تلویزیون برگشته است.

کافه کتاب

کی چی خوانده؟

به روال پنجشنبه‌ها این ستون اختصاص دارد به پیشنهاد کتاب‌های خوبی که داستان‌نویسان و داستان‌پژوهان به تازگی خوانده‌اند و آن را به مخاطبان «فرهیختگان» برای آخر هفته پیشنهاد می‌دهند.

روایتی بلند از انقلاب

سپیده کاظمی-ارمان «سایه‌های بلند»

شهریار عباسی روایتگر خانواده سنتی و پرجمعیتی در میانه سال‌های دهه ۵۰ و ۶۰ در یک خانه بزرگ است که هر کدام از بچه‌ها در یک اتاق آن زندگی می‌کنند.

نکته بسیار مهم در ایسن رمان صیغه اجتماعی آن است و معبری که نویسنده به حوادث مهم اجتماعی آن سال‌ها و حتی قبل از آن می‌زند. به‌طوری‌که که خواننده با تمام وجودش این جریانات و حوادث مهم اجتماعی را به خوبی درک کرده و با آنها ارتباط برقرار می‌کند. در واقع نویسنده بستر رمان را طوری هنرمندانه چیده است که تاثیر این حوادث، ذهن مخاطب را درگیر می‌کند و او را همسو با جریان رمان پیش می‌برد. یکی از این حوادث مهم اجتماعی، اصلاحات ارضی دوران پهلوی است. قانونی که در ۱۳۳۰آغاز و در۶ بهمن ۱۳۳۱ به اجرا درآمد و طی آن رژیم ارباب رعیتی لغا و باعث تغییرات اساسی در میزان و نحوه مالکیت اراضی به‌ویژه اراضی کشاورزی شد. هوتویی که زمین‌های آبا و اجدادی‌اش برای کشت و کار در دست حسین قلی رعیت است و ...

مسئاله دیگر وقوع انقلاب است؛ انقلابی که خانواده کدخدایی را هم مانند سایر خانواده‌های ایرانی مشغول می‌کند و مخاطب همپای آنها حوادث آن را دنبال می‌کند. انقلابی که معیارهای معمول را بر هم می‌زند و جامعه را دچار دگرگونی‌های سریع می‌کند؛ از اعتصابات طولانی ملت شرکت نفت گرفته تا پیروزی انقلاب و... همه و همه به خوبی در رمان پرداخت شده است.

مساله دیگر جنگ ایران و عراق است؛ جنگی که همه را مستقیم و غیرمستقیم گرفتار کرده است. از تاثیر جنگ بر اقتصاد آن روزها و نبود نفت و مایحتاج کوبنی مردم تا بمباران شهرهای مسکونی و حضور اعضای خانواده در جبهه‌های جنگ و از همه مهم‌تر محمد و همایی که زیر بمباران‌های بی‌امان در شهر دزفول گیر افتاده‌اند، چیزی از دید تیزبین نویسنده پنهان نمانده است.

مساله مهم دیگر در رمان سایه‌های بلند، شخصیت‌پردازی کاراکترهای رمان است. از پیرمرد سالخورده رمان، هوتو، با آن تفکر سنتی و فنودالی تا حاج احمد و طلعت و گوهر و... یا حوری زن نازای تصویر که همیشه توی دهانش آدامس دارد و آن را به در دیوار می‌چسباند و در آرزوی بچه‌دار شدن روزگار می‌گذراند، یا گودرز پسر سر به‌هوايي که خاطرخواه لایلا، خواهر دوستش می‌شود؛ لایلاي حاضر جوابی که همیشه خدا گودرز را سکه یک پول می‌کند و به او روی خوش نشان نمی‌دهد.

موضوع دیگر دیالوگ‌های پیش‌برنده رمان است؛ دیالوگ‌هایی که دست مخاطب را می‌گیرند و او را همپای داستان جلو می‌برند، بدون هیچ گزارش و القایی به مخاطب اثر. در مجموع رمان سایه‌های بلند شهریار عباسی رمان قابلی تاملی از نویسندگان حال حاضر کشورمان است که باعث می‌شود مخاطب با خواندنش از جهان داستانی نویسنده لذت ببرد و لحظاتی را فارغ از روزمرگی‌های معمول بگذراند.

شب یخ بندان

ناصر نغزیمقدم کتاب این هفته که آن را خواننده‌ام رمان«یخ» نوشته سینا حشمدار است که توسط نشر چشمه منتشر و در ۱۲۰۰ نسخه چاپ دوم شده است. این رمان در چهار فصل روایت می‌شود. سه فصل اول آن روایت اول شخص است که از زبان شخصیت کیا نقل می‌شود. اما فصل آخر از زاویه دانای‌کل مصلود و سوم شخص پیش می‌رود. نویسنده به خوبی توانسته سوژه‌ای را که مد نظر داشته، بیان کند؛ روایتی سهل و ممتنع. به نوعی در این رمان با راوی نامطمئن روبه رو هستیم و برای خواننده نوعی دوگانگی ایجاد می‌شود که حقیقت چیست و چه کسی درست می‌گوید. همه نتیجه‌گیری‌ها به خواننده ارجاع می‌شود که باید برگردد و رمان را با دقت بیشتری بخواند. در هر حال قتل به هر دلیلی باشد، چیز خوشایندی نیست. فضاسازی و پرداخت مکان را پسندیدم و ملموس بود. تاکید زیاد نویسنده بر این نکته را که هیچ راهی برای گریز در آن شب وجود ندارد، زیاد دوست نداشتم. از نظر شخصیت‌پردازی به نوعی شخصیت‌ها کامل نیستند. منصور، کیا، پیرمرد و پرویز این گونه هستند و در تقابل با همه کامل می‌شوند و معنا می‌یابند. «یخ» رمانی خواندنی است برای کسانی که دوست دارند در وهم یک شب یخ بندان در جاده‌ای خود را گرفتار فرض کنند؛ به مثابه فیلم‌های خارجی که با ایجاد وحشت سبب هیجان می‌شوند. در پایان اینکه گاهی برای یک جنایت دلیل خاصی لازم نیست.

روایتی بازیگوش

مرتضی شکمحمدا «تربیت‌های پدر»

نوشته محمد طلوعی، به‌رغم طرح جلد نه‌چندان جالبش و حروف‌چینی بسیار بدش مجموعه داستان خوبی است. با همان طنز و شاعرانگی و بازیگوشی‌ای که در «من ژانت نیستم» دیده بودیم. طلوعی همیشه داستان و روایت جذابی دارد که خواننده را با متن همراه می‌کند تا از این همراهی لذت ببرد. زبانی که نویسنده به‌کار برده در عین فاصله گرفتن از زبان روزمره از پیچیدگی‌ها و بازی‌های زبانی دوری می‌کند و در عین سادگی، دارای «زبانی داستانی» است. شاید تنها ضعفی که این مجموعه‌داستان دارد، یکی بودن لحن داستان‌ها است، به‌طوری‌که خواننده احساس می‌کند راوی همه داستان‌ها یک نفر است.

#

ادب‌وهنر

www.Farheekhtegan.ir

Thu. | 2 Jun 2016 | Vol.08 | No. 1959

پنجشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۵ ■ ۲۶ شعبان ۱۴۳۷ ■ ۲ ژوئن ۲۰۱۶ ■ شماره ۱۹۵۹

فسمایش

د رنگی بر نمایش کلفت‌ها اثر ژان ژنه به کارگردانی ریحانه نبی‌یان

تقاب‌ها



مارال استادی طراح حرکت و بازیگر فیزیkal پرفورمنس کلفت‌ها[انسان جامعه مدرن از روبه‌رو شدن با واقعیت خود در وحشت است و آنجا که تصویر خود را در جلوه دیگری می‌بیند، بی‌گمان فرار از انتخاب می‌کند. حال این فرار یا فرار مردم کردند. انقلابی که مردم کردند تاثیرگذارترین و آبرومندترین کاری بود که انجام شده است.

مستولان که تنها چند جشنواره تندیس‌محور برگزار می‌کنند و به چند تا از دوستان خود جایزه‌ای می‌دهند و تمام می‌شود. باید نظارت شود. باید به این موضوعات انقلابی و شخصیت‌های سیاسی انقلاب توجه شود.

باید آثاری آبرومند تولید شود. ما در هنر انقلاب دست خالی هستیم.» رویگری در پاسخ به اینکه آیا به هنرمندانی مثل او که آثاری ماندگار خلق کرده‌اند توجه شده است، گفت: «به هیچ عنوان. حتی به ما یک زنگ هم نمی‌زنند. من چند وقت است بسیار مریض هستم و کسی حتی احوالی از من نگرفته است.»

می‌دهند و خواهری که ادامه زندگی را ناممکن می‌بیند و تحمل این زندان و زندانباش را که خانم خانه است، ندارد و درهای آزادی را بسته می‌بیند، اثری شدن را تنها راه پیش رو می‌بیند و با مرگ خود هم خود و هم خواهرش را نجات می‌دهد؛

خواهری که تنها مونس شب‌های تنهایی اوست. خواهری که هم عشق او و هم نفرت اوست. این سرنوشت تراژدی محض است؛ چیزی که زبان از بیانش قاصر است. پس باید آن را دید؛ در سکوت محض دید تا در جانت ریشه کند.

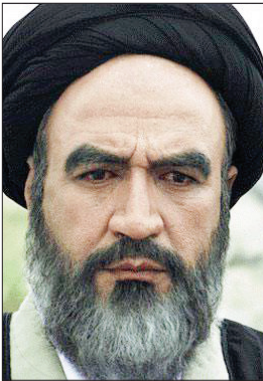
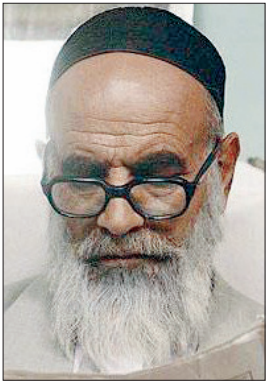
بی‌نوشت: «کلفت‌ها» به نویسندگی ژان ژنه و کارگردانی ریحانه نبی‌یان نمایش فیزیkالی است که برپایه حرکات فرم طراحی شده و اجرایی متفاوت با دیگر اجراهای روی صحنه رفته در ایران از این نمایشنامه ارائه شده است. علی رفیعی و محمد عاقبتی از جمله کارگردان‌هایی هستند که کلفت‌های ژنه را به سبک و شیوه خود در ایران روی صحنه برده‌اند. حالا با بازی مارال استادی و ریحانه نبی‌یان اجرای دیگری از این نمایشنامه از ۲۸دیبهشت در تماشاخانه «دا» به تهیه‌کنندگی پیمان یاحقی روی صحنه رفته است. این تماشاخانه در میدان فاطمی، ابتدای شهید گنم، خیابان جهانمهر پلاک ۲۶ واقع است.

تلویزیون

حاشیه‌های هفت ادامه دارد



گروه ادب و هنر از حاشیه‌های برنامه جنتجالی «هفت» همچنان ادامه دارد و واکنش کمال تبریزی و بهروز افخمی آن را وارد فاز جدیدی کرده است. در تازه‌ترین واکنش‌ها افخمی نامه‌ای طنزآمیز و تند به تبریزی نوشته و او را دعوت به آرامش کرده است. از سوی دیگر غلامرضا میرحسینی، مدیر شبکه ۳ سیما هم اعتراض‌های تبریزی را وارد ندانسته و حرف‌های فراستی را توهین قلمداد نکرده و تاکید کرده است که در مدیریت جدید نیز برنامه هفت با همین رویه ادامه خواهد داشت و تغییری در رویه آن به وجود نمی‌آید.



◉ عبدالرضا اکبری در دو نقش از راست به چپ: جمشید هاشم‌پور، ولی‌الله مومنی و محمد آزادی

رضا رویگری از جای خالی فیلم‌ها، تئاترها و برنامه‌های فرهنگی تاثیر گذار درباره امام خمینی (ره) گفت

دست خالی هستیم

مناسبی برای مقام تاثیر گذار امام(ره)

ایران فیلم «تولد یک پروانه» از مجتبی راعی و «فرزند صبح» از بهروز افخمی درباره حضرت امام (ره) ساخته شده‌اند که واقعا آثاری تاریخ‌ساز و تاثیر گذار نیستند و فیلم افخمی هم که همچنان اکران نشده است. در کشورهای دیگر به سرمایه‌های سیاسی خود بسیار بها می‌دهند. مثلا، الیور

استون فیلم «جی اف‌کی» را درباره زندگی و مرگ کندی رئیس‌جمهوری آمریکا ساخت.

فیلم «چه» به کارگردانی استیون سودربرگ که به زندگی ارنستو چه‌گوارا یکی از انقلابیون بزرگ قرن بیستم می‌پردازد، نمونه خوبی است. ایرانی‌ها درست می‌کنند به نظر بهتر از سوی دیگر، هیچ برنامه فرهنگی



گفت‌وگو با نادر نادرپور به مناسبت اجرای نمایش «خانه برنارد آلیا»

اجراهای پوک

◉ نمایی از اجرای نمایش «خانه برنارد آلیا»

بردن چنین متنی در ذهن شما شکل گرفت و این اجرا از کجا سرچشمه گرفت؟

علاقه من به این متن برمی‌گردد به دوران دانشجویام که واقعا تحت تاثیر آن قرار گرفتم. من چندین ترجمه را از این نمایشنامه خواندم و ترجمه احمد شاملو مرا بسیار تحت‌تاثیر قرار داد و این متن را در قفسه نمایشنامه‌های موردعلاقه‌ام برای اجرا قرار دادم. هر متنی را که می‌خوانم و به آن علاقه پیدا می‌کنم آن را در یک قفسه اجرا می‌گذارم. عادت دارم مبنی‌بر اینکه همیشه سعی می‌کنم هر نمایشنامه‌ای را که در بازار می‌آید، فی‌القور آن را بگیرم و بخوانم و اگر به آن متن انسی پیدا کردم اولین نفری باشم که آن را اجرا کنم. متن خانه برنارد آلیا کلاسیک بود ولی برای من بسیار جذاب بود. وقتی سال گذشته در کارگاه بازیگری با تعداد زیادی از هنرجویان زن مواجه شدم تصمیم گرفتم درنهایت این متن را به اجرا برسانم. آموزش و زحمت بسیاری برای این اجرا کشیدیم.

شما به عنوان یک بازیگر و کارگردان چه چیزی را در اندیشه و قلم گارسیا لورکا می‌بینید که احساس می‌کنید باید آن را برای تماشاگر به اجرا ببرید؟ به هر حال



◉ نادر نادرپور

تئاتر

هستیم که بسیار متن‌محور هستند. نظرتان در مورد این دو شیوه اجرایی که یکی به «متن» و دیگری به «تصویر» معطوف می‌شوند، چیست؟

من در وهله اول به واژگان و نوشتار

یک نویسنده اهانت نمی‌کنم. اگر قرار است متن دیگری را اجرا بروم باید خودم دست به قلم بشوم و زحمت یک نویسنده را زیرسوال ببرم. به نظر من تماشاگر ایرانی همچنان به دنبال قصه است. این امر را تجربه کردم.

بسیاری از کارها را خودم دیده‌ام که تصاویر و زیبایی‌شناسی خوبی داشته است و در آخر به خود گفتم‌ا: «خب که چی؟» بسیاری نیز می‌آیند

بازیگران تلویزیونی را می‌آورند تا مخاطبان با آنها عکس سلفی بگیرند و این امر دیگر تجارت است.

شما در یک سالن خصوصی درحال اجرا هستید. مسئولان هم قول همکاری و حمایت داده‌اند که تاکنون خبری از آنها نبوده است. اما این سالن‌های خصوصی باعث شده است بسیاری بتوانند اجرا ببروند. نظرتان چیست؟ برای شما مفید بوده یا در کل ضرر داشته است؟

به‌زعم من تئاتر خصوصی بستر مناسبی است تا بسیاری از فارغ‌التحصیلان و هنرمندان بتوانند اجرا ببروند. دولت در ساخت تماشاخانه هیچ گامی برنداشته است. تعداد زیادی جشنواره‌های بدون نتیجه را برگزار کرده‌اند که حاصل آن تبدیل به یک نتیجه فیزیکی نشده است. الان مسیر به سمتی رفته است که دولت ناگزیر شده است تئاتر خصوصی را پیگیری کند. اما با داستان خالی این کار را می‌کنم. تمام بار این اجراهای تئاتر بر دوش سالن‌دار و هنرمند است و سود آتیجانی برای ما ندارد. من از این سالن‌ها راضی هستم. من از مدیریت این سالن‌ها و شکل تئاتر راضی هستم. اما مسائل دیگری از همه اینها مهم‌تر است. دولت باید در مرکز شهر هزینه و سالن‌ها را حمایت کند. ما آنقدر فارغ‌التحصیل تئاتری بیکار داریم که حد ندارد. نکته جالب حضور مردم و استقبال مردم از تماشاخانه‌های خصوصی است. چرا چنین شده است؟ به نظر من پاشنه آشیل تئاتر حمایت نکردن دولت است. دولت زمانی پول‌های هنگفتی برای اجراهای پوک و بد هزینه کرد و هیچ سالی را ایجاد نکرد. سالن خصوصی به داد تئاتر رسیده است. سالن‌های خصوصی کوچک بسیار مهم هستند.